

اهمیت و ضرورت خلق طراحیخط از منظر جامعه‌شناسی هنر

چکیده:

نیاز به بقا و ارتباط و اهداف اعتقادی و وجود شرایط پیچیده اقتصادی، تاریخ اجتماعی هنر را در طی دورانهای مختلف دچار تغییر و تحول کرده و به دلیل فرایند پیچیده اجتماعی نقش هنر نیز متفاوت می‌باشد. ضرورت تغییر و تحول در هنر در طی دورانها شیوه‌ای با عنوان طراحیخط را می‌توان در بحث جامعه‌شناسی هنر و در حوزه مرتبط با خط مطرح نمود، که نیاز تاریخی خط به دگرگونی در این برهه از زمان بیش از گذشته احساس شده و دگرگونی در فرم‌های بصری باید جوابگوی ضروریات و توقعات هنری جامعه کنونی باشد. جلب نظر مخاطبین و گسترش دامنه تبلیغات و ارتباطات و بحث آشنایی‌زدایی که از ضرورت خلق در تولید آثار مدرن است را برآورده کرده و آن را در طی مسیر حقیقت تاریخی خود رهنمون کند. این شیوه که به تغییر در حوزه خط منجر شده می‌تواند به دلیل استفاده از هنر طراحی راههای گسترده-تری را فراروی هنرمندان رشته‌های تجسمی بگشاید و موانعی را که در طرح نیات هنرمندان و مقاصد هنری آنها وجود دارد به دلیل گستردگی استفاده از هنر طراحی و علائم و نشانه‌ها و فرم‌های رئالیستی با نوع و نگاه انتزاعی به خلق آثار متفاوت و گویای دیگری هدایت کند. طراحیخط با توجه به دستاوردهای گذشتگان در حوزه خوشنویسی و با آگاهی از ارزشهای زیبایی‌شناسانه آن که به جزالت و توانایی حسی و بصری خود در طی قرون رسیده است امکان آن را دارد تا با آن در طی مسیر به تعدد و تنوع منطقی فرمی و بصری رسیده جوابگوی نیازهای پیش‌رو باشد.

کلید واژه: طراحیخط، هنر معاصر، جامعه، آشنایی‌زدایی

مقدمه:

طراحی‌خط در ارتباط با جامعه‌شناسی هنر با ارائه چارچوب‌های مشخص به منظور رسیدن به اجماعی کلی از فرایندخلق و توضیح و تفسیر ویژگی‌های کاربردی و نقش آن در هنر و ضرورت آن رادر ارتباطات خاطر نشان کرده و تاثیرات اجتماعی و فرهنگی و ضرورت تاریخی آن را بیان می نماید.

بدین منظور طرح نظریه‌ای برای رسیدن به اجماعی کلی تر ضروری به نظر می‌رسد از آنجا که برخورداری از یک نظریه جامع تر هماهنگی آن را حول محوری منطقی ایجاد کرده و با بیان توضیحاتی، امکانات و کاربرد های آن را مشخص کرده ، همچنین جایگاه آن را در یک فضای هنری که به پیروی از امکانات و فضاهای گذشته می‌باشد به فضاهای پیش رو و به خلق فضاهای جدید هدایت می‌کند. جامعه-شناسی هنر که تاثیرات هنر را بر اجتماع و اجتماع را بر هنر مد نظر دارد، می‌توان در این تعامل دوطرفه شیوه طراحی‌خط را با توضیح گسترده تر عرضه نمود و تاثیرات اجتماعی آن را عنوان کرد.

خلق اثر از منظر اجتماعی

ایجاد سبکها نتیجه شرایط و موقعیت‌های تاریخی و بر پایه فرهنگ و نیاز اقتصادی اجتماعی و پیچیدگی‌های ارتباطی می‌باشند. شاید در این شیوه تاثیر فرهنگ بر ایجاد سبک بیش از دیگر عوامل باشد زیرا این تغییر در زمینه بیان مفاهیم و معانی و اندیشه‌ها همراه با شکل و بیان زیبایی‌شناسانه است و اهداف متفاوت اجتماعی و اعتقادی و حتی اقتصادی و با بکارگیری نشانه‌های مورد نظر موضوع را در بر می گیرد. و نیز تاثیر سنت را در فرهنگ مشخص تر و تلاش به منظور تغییر و تدبیر ایجاد شرایط جدید و ایجاد سبک جدید اساسی تر خواهد بود. ارتباط در جامعه که با تعامل فردی و گروهی ادامه پیدا می‌کند در این تعاملات بخشی در گروی هنر است که بدلیل درونی بودن این ارتباط در لایه‌های زیرین این تعاملات قرار گرفته و به لحاظ اجتماعی امکان رمزگشایی آن را در حوزه‌های دیگر باید جستجو کرد. بوجود آمدن این راه ارتباطی نیازمند کارکردگرایی آن به کمک ایجاد قواعدی است که بتوان ساختاری منطقی و قابل قبول را در بیان اندیشه و حس ابراز نمود. ایجاد فضای گفتگو نیازمند معماری اندیشه و قدم‌های هنرمندانه و دقیق و بادر نظر گرفتن تاثیرات کاربردی آن است، تا علاوه بر گرفتن تاثیرات فرهنگ بتوان تاثیر شرایط اقتصادی و ارتباطی را برای ایجاد انسجام اندیشه‌ها و سبکها فراهم نمود. و فضاهای جدید را افرید و با این توضیح سبکها گاهها بر مسیری که همواری کنند بیانگر شرایط متفاوت اجتماعی سیاسی و اقتصادی می‌باشند

تغییر جزء جدایی ناپذیر هنر دنیای امروز است و هرگاه از این زاویه به هنر توجه کنیم به سنت که تغییر تدریجی و تاریخی را می پذیرد به دودنیای متفاوت از دیدگاه هنری می رسیم که ارزش و توجه به ساختارهای تثبیت شده و استحکام بنیانهای هنری در سنت و تغییر سریع در ساختارها و تفاوت در فرم های بصری نتیجه آن است و از ویژگی هنر دنیای امروز محسوب می شود. در هنری که تغییر را درونی تر کرده و ویژگیهای هنر پیشینیان در آن کمتر نمایان باشد گاهی از توجه بیشتری برخوردار خواهد شد و آشنایی زدایی از اهم فرآورده های هنر در این زمان است که علاوه بر تغییر در ساختار و فرم تغییر در اندیشه را نیز در پی داشته است. دستاوردهای جدید حاصل تحولاتی است که بوقوع پیوسته و چون دامنه آن گسترده و فراگیر در بخش های مختلف اجتماعی اقتصادی و فرهنگی می باشد ناگزیر در بیان و ارائه ان باید به همان گستردگی راههای متنوعی را ایجاد کرد و شیوه های اشنای گذشته امکان بیان این گستردگی نمی باشد هر چند ساختار محکم هنر گذشتگان به کمک می اید تا از ابتدا متحمل یک شروع مجدد نباشیم و از امکانات بصری و ساختار فرمی و دیدگاههای گذشته استفاده کرده و بر همان سیاق به دستاوردهای جدید برسیم این می تواند بهترین روش برای رسیدن به فضاهای جدید باشد

قالب‌های جدید با بکارگیری مفهیمی که متأثر از اجتماع و فرهنگ می باشند. ضرورت وجودی و تاریخی خود را در طی زمان بروز می‌دهند. آگاهی بر بخشی از توانمندی‌هایی که افرینش‌های جدید موجب آن است در قالب گفتگو و تعامل به تسری در فضاهای کاربردی می

انجامد و بهره مندی از این تغییرات بر عرصه‌های دیگر نقشی اساسی و سازنده دارند. بنابراین سبکها بهره‌مند از تغییرات ناگزیری که در دوران فراگیر شدن و عرضه دارند گاهی زایشی مهم را در درون خود موجب می‌شوند که وجود نظریه‌ها و بیان و توضیح شیوه‌ها ان را فراگیرتر کرده و اهمیت آن را در قالب گفتگوها که بخشی جدایی ناپذیر از کارکردهای عملی آن است را فراهم می‌آورد. در این باب تعریف و لزوم نظریه و نیاز به تعامل اجتماعی را باید در نظر گرفت و اینکه در نظریه به ایجاد فضای همفکری و تعاملی برای رفع چالش‌ها کمک خواهد شد و زمینه را برای بسط آن خواهد گشود.

بدین لحاظ توضیح اینکه این شیوه چگونه خلق شده و ویژگیهای کاربردی آن وارزش و اهمیت آن در هنر، می‌تواند امکان گسترش و فرصت استفاده کاربردی آن را فراهم کند.

طراحی‌خط و جامعه

آنچه در این شیوه نیز مد نظر است تلاشی واقع‌گرایانه و استفاده از منابع ارزنده گذشته، که به ساختاری جدید از سنت انجامیده است، و با در نظر داشتن توانمندیهای هنرپیشینیان، بویژه در هنر خط و خوشنویسی به ابداع روشی نو دست یافته است. جایگاه نظریات شهودی در اندیشه‌های هنری از مقولات تاثیرات اجتماعی و جامعه‌شناسانه بدور است و دارای فهم درونی و انگیزه‌های ذهنی است. مطنا این تقابل که اهمیت هنر را در حوزه‌های اجتماعی و در درون بافت جامعه می‌کاود بدور از تاثیر نمی‌باشد همینطور ارزشهای فرمی و نگاه فرمالیستی به موضوع که بیان درونی و حسی وز بیایی‌شناسانه دارد و اهمیت ذهنیت‌ها را که نمی‌توان جدا از روابط پیچیده بیرونی و اجتماعی در نظر آورد، هر چند فردیت‌هاست که در دامن جامعه شکل گرفته است و این پیچیدگی را دارد که همچون بازخوردهای اجتماعی تمام‌اقبال توصیف نباشد ولی اهمیت آنرا به مثابه هنری که هم می‌تواند بیان اندیشه‌های بیرونی و هم به حسی درونی و متکامل از ذهنیت درونی هنرمند باشد برسد.

بیان مفاهیم ناب و فرمالیستی که توام با حسی اندیشه‌ای و نوستالژیک می‌باشد و از ایده درونی هنرمند تغذیه و پرورش می‌یابد می‌تواند سرشار از علائم و نشانه‌های بیانی و استعاری و تا قلمرو نمادهایی خاص و مفاهیمی اجتماعی و تاریخی باشد.

اهمیت تاریخ در تولید اثر هنری و توالی زمانی که باعث شده در هر زمان یک سبک با شرایط و ویژگیهای تاریخی خود بوجود آید. توضیح تاریخی خط تا رسیدن به طراحی‌خط و مرحله نهایی آن که وابسته به فناوری و اشاعه و ایجاد انگیزه‌هایی به منظور هدایت فکری و گروهی و با بسط حس‌هایی با انگیزه زیبایی‌شناسانه را قابل توصیف می‌گرداند و اصالت هر اثر به تاثیرات اجتماعی و گروهی آن برمی‌گردد

نظام تکاملی که در نتیجه تحولات اجتماعی و تاریخی که بیشتر به لحاظ نیازهای مادی و اقتصادی می‌باشد باعث دگرگونی اندیشه‌ها فرهنگ و ساختارهای فکری و اجتماعی شده از این منظر نقش تعیین‌کننده‌ای در تولیدات فرهنگی دارد.

جامعه‌شناسی هنر بدور از فردیت و شناخت فردی و روانشناسی در نظر گرفته می‌شود و باید آن را در حوزه مطالعات اجتماعی در نظر گرفت هر هنرمندی با توجه به تاثیرات اجتماعی در فردیت و هویت درونی خود به انتخاب، پالایش فکری و بیان هنری و ادبی می‌پردازد که بدین ترتیب انگیزه‌های حسی و اعتقادی فردی در فرایند اجتماعی حل شده و تاثیرات خود را به عنوان جزئی از گروه پیچیده اجتماعی و با ایجاد اثری هنری به ظهور می‌رساند و در صورت تغییر در مسیر طبیعی تولید و سبکها و یا توفیق هنرمند به ایجاد فرایندی جدید آن را تعمیم می‌دهد گاهی در روند تولید به نظریه‌پردازی پرداخته و بدین گونه سبک و شیوه با در نظر گرفتن نیازهای عملی روز و پاسخ به ضرورت

و نیاز زمان شکل می‌گیرد. از آنجا که راه‌های نامکشوف بسیاری توسط هنرمندان خلق می‌شود و بداعت و استفاده از تخیل جزئی لاینفک هنر مدرن و از ویژگی‌های برتری آن بر هنری است که مورد تقلید قرار گرفته می‌باشد بدین لحاظ هنرمند ملزم به توضیح فرایند خلق می‌باشد.

تکامل بصری خط تکامل در نشانه‌ها در فرم وحس و ارائه بیانی پیچیده‌تر می‌باشد که هنرمند به دلیل تکامل دیدگاه در مفاهیم به آن دست می‌یابد. تغییر نشانه‌ای خط در عالم بصری تنها تغییر به فرم‌های زیبای بصری نیست بلکه حاوی مفهوم درونی است که در فرهنگ، اجتماع و تاریخ هر جامعه‌ای دارای بار مفهومی شده و نیروئی درونی را با خود حمل می‌کند و با تغییر و تبدیل آن به یک عنصر بصری زیبایی‌شناسانه و همچنین هماهنگی آن با تصاویر، هویت تاریخی خود را با حفظ ارزش‌ها غنی‌تر از گذشته ظاهر می‌سازد، تابتوانند بار حسی و معنایی بیشتری بیابند. درک کلمه با تصویر درونی آن که گاه انتزاعی است و در ذهن و روح معنا می‌یابند و گاه تداعی معانی بیرونی را می‌کنند این شیوه بهره می‌گیرند. بطور مثال کلمه محبت بر هیچ تصویر بیرونی منطبق نیست و با تاثیر بر روح و روان جان می‌گیرد، زمانی که به شکل تصویر ظاهر شود. معنای رأفت‌گونه آن با تصاویر نزدیک به آن، که حس درونی را ظاهر کند بروز بیرونی می‌یابد و نشانه‌ها قدرت می‌یابند و تبدیل به نمادهایی ماندنی در ذهن می‌شوند که تصویر و کلمه برای بیان مفهوم مستتر در آن ظاهر می‌شوند و این ویژگی در حیطه هنر طراحی امکان‌پذیر می‌شود و بدین ترتیب این هنر بخش اعظم این شیوه را در بر می‌گیرد و خط در حوزه طراحی قابلیت بیان جدید می‌یابد هنر طراحی خط کاربرد و شیوه بیان آن در توانمندی هنرمند در شناخت عناصر بصری و استفاده صحیح و دقیق آن در ترکیب بندی و ارائه معنای جوهری و روحی کلمه و نوشتار و تصویر ی که گاه به وضوح و یا انتزاع گونه و غیرمستقیم بر معنای آن دلالت می‌کند

زیبایی‌شناسی خط و نوشتار نه بدلیل اندیشه‌های فلسفی و بیشتر به دلیل اندیشه‌های اعتقادی با حفظ ارزش‌های زیبایی‌شناسانه آن شکل گرفته است. کلاف پیچیده رویدادهای اجتماعی که سیر تاریخی دارد ارزش‌های آن با رویدادهای تاریخی که برگرفته از باورهای جمعی اجتماعی است سنجیده می‌شود و از ابتدا بر حفظ حرمتها، آیینها، باورها و آداب مورد قبول آن جوامع می‌باشد. در دنیای کنونی انقلاب ارتباطات و انباشت اطلاعات و ضرورت روند تغییر شاخصه‌های مقبول در هنر گذشته تا رسیدن به ضرورت تاریخی خود که لاجرم باید ایجاد شود و تحول رابپذیرد اهمیت تاریخی و نقش پر وضوح هنرمند را مشخص می‌سازد که با تکیه بر توانمندی‌های گذشته به فضاهای جدید بصری دست یازد - نقش اعتقاد و ممنوعیت استفاده از بعضی هنرها در اسلام بر اعتبار خط و هنر خوشنویسی افزود و شرایطی متفاوت را برای این هنر رقم زد

بدین لحاظ آنچه که به عنوان طراحی خط ارائه شده بر همین ارتباط و با در نظر گرفتن ویژگی‌های اجتماعی و تاریخی مورد توجه قرار گرفته و ضرورت وجود توضیح یک سبک و نظریه هنری را ایجاب کرده و خط را باید در طی تحولات واز ابتدای خلق آن و ضرورت زمانی که تغییر آن را امکان پذیر کرده را نظر گرفت .

برای پذیرش هرگونه هنری که خارج از قواعد گذشته باشد و به شکستن ساختار دست زده باشد گاهی نیازمند همراهی و دریافت امتیازهایی است که قشر اندیشمند و صاحب نظر به قبول تغییرات و پذیرش راهی برای ارائه اندیشه‌های جدید رسیده باشند. و یا در طی دوران و در آینده به اهمیت این تغییرات دست یابند. هر تغییری با نوعی مواجهه و با عدم پذیرش همراه است که گسترده‌گی دیدگاه هنرمند صاحب اثر، پذیرش آن را با توضیح پیشینه تاریخی و برخورداری آن از تجربیات گذشته که منجر به خلق نوع جدیدی از اثر شده است را با خود همراه دارد. اگر در اثر هنری بویژه در خط ایجاد فضایی با حس زیبایی‌شناسی آن مطرح نبود پیدایش سبک‌های گوناگون خط لزومی نداشت و امکان توجیه و حضور نمیافتند. گوناگونی و عدم ساختار منطقی در خط در قرون اولیه اسلامی باعث هویت بخشی و تحت نظم در آوردن آن به کمک ابن مقله شد.

این مقله بر خط نظم بصری قائل شد و تاکنون این نظم در خطوط سنتی از طرف هنرمندان محترم شمرده می شود و هر گونه تغییر را باید تغییر در ساختار و خط را باید نوعی ساختار شکنی دانست که اگر بر شیوه و نظم تاریخی آن نظری داشته باشیم در هر مقطعی به ایجاد خط جدید انجامیده و یا همان نظم به تکامل ونقطه اوج آفرینش خود دست یازیده است. تغییرات را می توان در دوره های اخیر متفاوت تر از گذشته دنبال کرد. با ظهور صنعت چاپ در دوران جدید و تکثیر کتب نیاز به تغییر در خط اجتناب ناپذیر شد میرزا رضا کلهر با تغییرات فرمی خط که کاربردی کردن آن را امکان پذیر گرداند و نیز درک زیبایی شناسی خط که باعث خلق سیاه مشق های میرزا غلامرضا اصفهانی شد جایگاه تثبیت شده هنر خوشنویسی با ضرباهنگ سنتی آن بتدریج وبا استفاده از مبادی سواد بصری و با درک هنر محض از خدمت در هنر کاربردی و کتابت دور شد و به عنوان هنر و به منظور درک وحس و لذت بصری مورد توجه قرار گرفت وقطعات و سیاه مشق-هایی چشم نواز آفریده شد. برطبق فلسفه زیبایی شناسی و با توجه به امور حسی در هنر که توسط بومگارتن مطرح گردید هنرها از توجه به کاربرد دور و به عنوان بخشی از علوم با ادراکات حسی و با حفظ ارزش های زیبایی شناسانه، راهی به سوی هنر محض پیش گرفتند نگرشی جدید با در نظر گرفتن ارزش های بصری در هنرهای سنتی و بلاخص در هنر خوشنویسی، تحت تاثیر آفرینشگری های جدید راه ها و سبک های نویی توسط هنرمندان خلق شد و فضاهای متفاوتی در اندیشه هنرهای سنتی شکل گرفت که با تغییرات و با تداخلاتی که در این هنرها ایجاد شد مکاتب و شیوه هایی چند ایجاد گردید (هادی، ۱۳۹۳، ص ۱۸)

سیر ادراکات بصری در هنر شرق آنگونه که در هنر غرب جریان دارد نیست هنر شرق از حقیقت ذهنی با برداشتهای شهودی و درونی که معتقد به آن است استفاده و آفری برده و به حقیقت بیرونی که اعتبارش را از دیدن با نظام پرسپکتیو و تمرکز بر عقل کسب می کند متفاوت می باشد اگر از این منظر به هنر در ایران نگاه کنیم هنر ایران جز برهه ای وبا هنرمندانی که به صورت مقطعی به رئالیسم گرویدند این هنر با سبک و سیاق غرب پانگرفت ولی تحت تاثیر هنر مدرن به دیدگاههایی دست یافت که تغییرات و تحولات را در هنرهای سنتی رقم زد خصوصا هنر خوشنویسی که آثار برگرفته از مضامین دینی و ادبی است واز هنرهای اصیلی که مهمترین کاربرد آن در کتابت بوده و از هنرهای مهم و تاثیر گذار در اشاعه دین و فرهنگ و انتقال کلام وحی و کلام الهی می توان بشمار آورد. جایگاه تثبیت شده هنر خوشنویسی با ضرباهنگ سنتی آن بتدریج وبا استفاده از مبادی سواد بصری و با درک هنر محض از خدمت در هنر کاربردی و کتابت دور شد و به عنوان هنر و به منظور درک وحس و لذت بصری مورد توجه قرار گرفته و قطععات و سیاه مشق هایی چشم نواز آفریده شد. برطبق فلسفه زیبایی شناسی وبا توجه به امور حسی در هنر که توسط بومگارتن مطرح گردید هنرها از توجه به کاربرد دور و به عنوان بخشی از علوم با ادراکات حسی و با حفظ ارزش های زیبایی شناسانه، راهی به سوی هنر محض پیش گرفتند نگرشی جدید با در نظر گرفتن ارزش های بصری در هنرهای سنتی و بلاخص در هنر خوشنویسی، تحت تاثیر آفرینشگری های جدید راه ها و سبک های نوی توسط هنرمندان خلق شد و فضاهای متفاوتی در اندیشه هنرهای سنتی شکل گرفت که با تغییرات و با تداخلاتی که در این هنرها ایجاد شد مکاتب و شیوه هایی چند ایجاد گردید

در هنر طراحی خط واژه کاملاً به همان معنی مصطلحی که به آن اطلاق می شود ختم نمی گردد و این فرصت برای جستجو و تغییر و تحول وجود دارد تا آن را به فضاهای معنایی دیگری سوق دهد و بیان بصری آن را عمیق تر و در اندیشه های دیگری نیز متبلور سازد هر واژه می تواند در درون خود معانی سمبلیک دیگری و معنای دیگری بیابد که کلمه و معنای آن در شکل و هیبت تصویر به بیننده ارائه می گردد هر تصویر گاهی با همان ویژگیهای عمومی و نیز گاهی به صورت مستتر به بیان بصری جدید می پردازد و از طرفی با سیر تحولی خود، تصاویر دیگری را در درون خود می پرورد و بدین ترتیب در بطن خود تصویر دیگری را متولد می کند ارتباط کلمه و تصویر همانند ارتباط کلمه با معنای درونی اش رابطه مستحکمی را ایجاد می کند که پیام با شکل پیکتوگراف و باحسی درونی تر که بتواند به بیان کاملتر از موضوع کلمه مورد نظر بیانجامد هدایت کند اگر معنای کامه را در طراحی خط مورد توجه قرار دهیم تصویر چگونه بران منطبق خواهد شد و آن را در بر خواهد گرفت و پیام را با چه فرایندی مخابره خواهد کرد پیام کلمه در خدمت ادبیات اخلاق جامعه محیط زیست و یا هر اندیشه ای که در ساخت کلمه نهفته است چگونه می تواند با برداشت ذهنی خالق اثر به دیدگاههای وسیعتری سوق یا بد و با تغییر درونی آن را با فرم و شیوه ای دیگر طراحی

نمود مطمئنا این فضای گسترده و باز در خط را نه در تنها فرم کلمه، بلکه در معنای آن و تصویر کلمه و تصویر الحاقی به آن می توان جستجو کرد بنابراین کلمه زایشی در بطن تصویر و تصویر پیام و معنای کلمه را عنوان می دارد. (اشکال ۱-۶)

خط به لحاظ ویژگی منحصر بفرد خود در خلق و پذیرش تغییر و در زمینه نشانه‌هایی که با خود به همراه دارد خوانش آن در حوزه فرم دارای محدودیت است چنانچه به طور مثال حرف "ی" خارج از فرم نشانه‌ای خود چنانچه دچار تغییر و دفرمه شدید شود هویت و ارزش کارکردی خود را از دست می دهد. و به هر چیزی بجز حرف مورد نظر معنا می‌یابد مگر آنکه رد نشانه‌ها را به گونه دیگری معرفی کنیم و علامت دیگری را بنام "ی" معرفی نماییم و برای آن تعبیر جدید قائل شویم این تعاریف در حوزه کلمه شکل دیگری می‌یابد زیرا حاوی معنا و دلالت است و با توجه به همان دلالت می‌توان در حوزه طراحی به نوع دیگری و یا با فرم دیگری به همان دلالت معنایی رسید.

نتیجه گیری:

رواج فرم‌هایی که در یک برهه از زمان و تاریخ هنر بیشتر می شود به واقعه مد و مدگرایی نزدیک شده و بر آن زمینه تعبیر و تفسیر می شوند و با تایید عمومی بیشتر در مقطعی عمومیت می یابد ولی این عمومیت همیشه تایید معنوی و حفظ ارزشهای زیبایی شناسانه کار و اثر نیست و می تواند نتیجه شور و احساس زمانی خاص که در برگیرنده منافع گروهی مشخص رابه همراه داشته باشد اتفاقی که گاهی فروکاستن هنر از جایگاه و ویژگیهای زیبایی شناسانه اش است و عدم توجه به خصوصیات درونی و ذاتی اثر و غلطیدن در تایید عمومی و اجتماعی که آن را تبدیل به سبک مورد توجه در آن زمان خاص می کند و یا مد پذیرفته شده در مقطعی خاص از زمان تاریخی گردد و ایجاد اقبال توده‌ای و عمومی کند شاید توان تثبیت تاریخی خود را به عنوان یک هدف تاثیر گذار و ایجادکننده حرکتها و جهشهای نوین را از دست بدهد و تاثیر مخاطب بر آفرینش اثر هنری به گفته وازکز (ص ۱۴۶ علی رامین - مبنای جامعه شناسی هنر نشر نی) هنرمند تابع سلیقه ها ترجیحات خواست ها و تصورات زیباشناسانه کسانی است که در بازار صاحب نفوذند اودر صورتی که بخواهد اثری را به هدف عرضه شدن در بازار ی پدید آورد که پذیرای ان آثار باشد نمی تواند مقتضیات ان بازار رانادیده انگارد این مقتضیات اغلب بر محتوا و فرم آثار هنری تاثیر گذارند و بنابراین محدودیت‌هایی را برای هنرمند به وجود می آورند و استعدادهای آفرینش گرانه و فردیت او را مضمحل می کنند

حفظ فضای زیبایی شناسانه و اهمیت ارزشهای بصری با توجه به ارزشهای مورد نظر پیشینیان که سیر منطقی هنر خط در ابن شیوه می باشد را مهم ساخته و براساس همان ارزشها و تداوم همان شیوه ها به منظور دست یابی به فرمها و امکانات جدید بصری شرایطی را فراهم آورد طراحی خط می تواند در ادامه نقاشی خط و با توجه به ویژگی های هنر گرافیک فضاهای گسترده‌ای را فراهم آورد و این بدلیل ضرورت زمانی برای ایجاد تغییرات جدید به منظور جوابگویی به تقاضاهای جامعه می‌باشد.



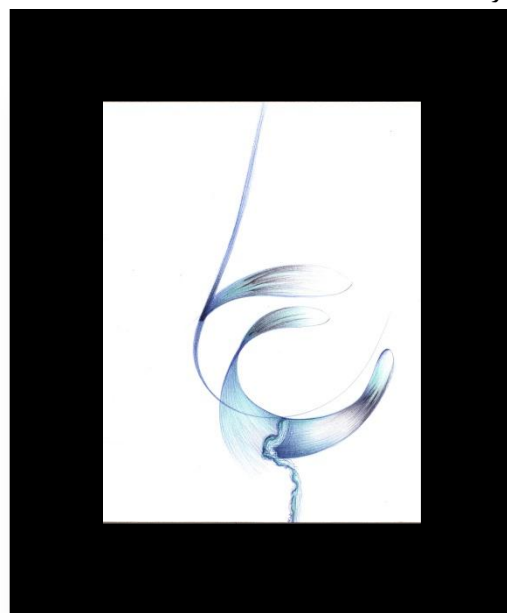
شکل شماره ۱



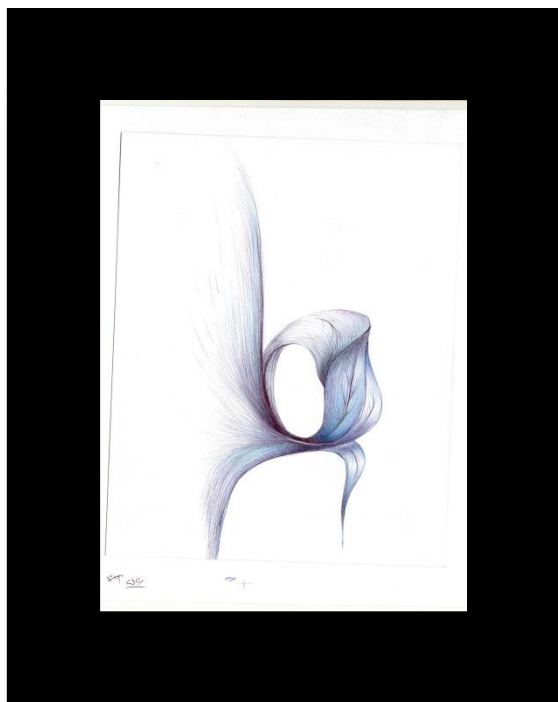
شکل شماره ۲



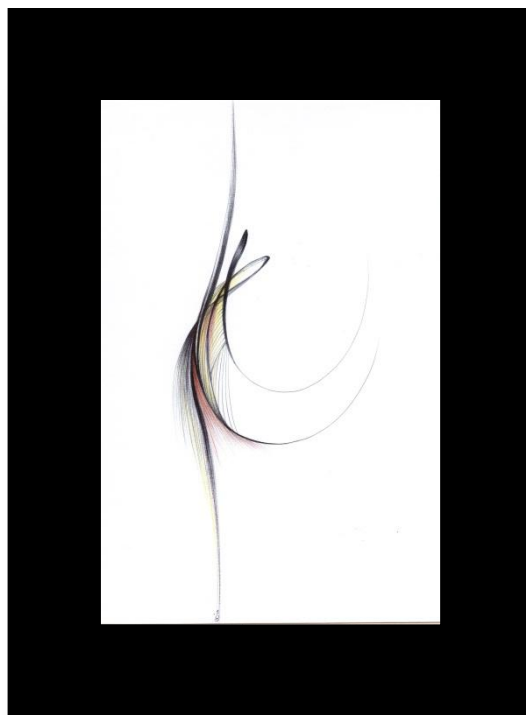
شکل شماره ۳



شکل شماره ۴



شکل شماره ۵



شکل شماره ۶

منابع و ماخذ:

رامین، علی، مبانی جامعه شناسی هنر، چ چهارم، تهران ۱۳۹۲

هادی، اکرم، نشریه مکعب